

تحلیل مسأله‌ی فقر در شعر احمد مطر از منظر جامعه‌شناسی ادبیات*

مهدی ابراهیمی^۱، کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی- باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
رمضان رضایی، استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

جامعه‌شناسی ادبیات یکی از شیوه‌های جدید و کارآمد نقد متون ادبی است که رابطه‌ی میان آثار ادبی و مسائل اجتماعی و نیز موقعیت اجتماعی نویسندگان و خوانندگان را مورد ارزیابی قرار می‌دهد تا از این طریق، وضعیت طبقات مختلف جامعه و طرز رفتارها و کنش‌های متفاوت و متشابه ساختارهای اجتماعی در دوره‌ی معینی از تاریخ را مشخص کند. احمد مطر یکی از شاعران مشهور جهان معاصر عرب است که همواره نسبت به اوضاع و رویدادهای جامعه حساسیت نشان داده که این خود نشان از نوعی تعهد و آرمان خواهی است. مقاله‌ی حاضر با هدف مطالعه و تبیین مسأله‌ی فقر اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی در اشعار احمد مطر، با تکیه بر نظریات و منابع جامعه‌شناختی به روش توصیفی- تحلیلی تدوین شده است و نتایج نشان می‌دهد که شاعر توجه خاصی به مسأله فقر دارد؛ چرا که فقر از مهم‌ترین مشکلات و معضلات اجتماعی است و بستر جامعه را برای انواع کجروی‌ها و بیماری‌های اجتماعی مهیا می‌سازد. شاعر، فقر و مشکلات ناشی از این پدیده‌ی اجتماعی در جامعه خویش را منعکس کرده و در جهت ایجاد آگاهی و تلاش برای ایجاد برابری و از بین بردن تضادهای طبقاتی فریاد اعتراض سرداده است.

کلیدواژه‌ها: جامعه‌شناسی ادبیات، شعر معاصر عرب، احمد مطر، فقر.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۲۴

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۳/۲۵

۱- نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: mehdi.ebrahimi94@gmail.com

مقدمه

تاریخ معاصر عرب بیانگر آن است که قرن بیستم منشأ تحولات اجتماعی، سیاسی و تاریخی عظیمی در جهان عرب بوده و در هیچ یک از قرون گذشته، عرب‌ها تا این حد متحول نشده‌اند. ارتباط ایشان در این قرن با جهان و به ویژه با اروپا، نقطه‌ی عطفی بود که به شدت جامعه‌ی عرب را تکان داد و روشنفکران و آزادی خواهان را با مسائلی آشنا کرد که تا آن زمان به ورطه‌ی فراموشی سپرده شده بود. شاعران و نویسندگان معاصر، با دید انتقادی به اوضاع نابسامان جامعه نگریسته و با به تصویر کشیدن واقعیتهای جامعه در جهت بیداری و آگاهی عامه‌ی مردم کوشیدند (لانکریک، ۱۳۷۸: ۴۷۸-۴۷۷).

تعاملات اجتماعی عرب با جهان غرب، آنها را در اتخاذ تصمیماتی متکی به علم مدرن مساعدت کرد و آنها با بررسی و مطالعه‌ی مسائل مربوط به جامعه، در چارچوب جامعه‌ی جهانی به اصلاح و متحول ساختن جامعه‌ی خود پرداختند. این تحول ناشی از بحرانها و گرفتاریها و بی‌عدالتی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود که جامعه‌ی عرب در دوران معاصر گرفتار آن شده بود و همین عوامل نیز باعث شد تا بیان مضامین اجتماعی به یکی از درون مایه‌های ثابت ادبیات عرب در شعر و داستان تبدیل گردد و اکثر شعرا و نویسندگان معاصر، علاوه بر آنکه بر جنبه‌های هنری و زیبایی ادبیات تأکید می‌کردند، نوشته‌های خود را در همراهی با مسائل اجتماعی و فرهنگی جوامع عرب همسو ساختند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۴۹ - ۴۸). همین مسائل است که اساس کار جامعه شناسی ادبیات قرار می‌گیرد.

جامعه‌شناسی ادبیات یکی از حوزه‌های مطالعات بین رشته‌ای است که کم و بیش مورد توجه محققان قرار گرفته است. این حوزه مطالعاتی ساختارهای معنایی شعر یا رمان یا هر نوع از انواع ادبی را به وضعیت سیاسی و ادبی جامعه پیوند می‌دهد. البته منظور آن، این نیست که متون ادبی تصویر واقعی جامعه است، بلکه بعضی مسائل اجتماعی را به مسائل معنایی و روایی تبدیل می‌سازد و گاهی مسائل و تضادهای اجتماعی بصورت ستیزه‌های زبانی جلوه‌گر می‌شود. زبان‌ها، جهان‌نگری‌های انضمامی

تحلیل مسأله‌ی فقر در شعر احمد مطر از منظر جامعه‌شناسی ادبیات ۱۰۳

و اجتماعی هستند و از فعالیت روزمره و مبارزه‌ی طبقاتی جدایی ناپذیرند. ادبیات در قالب ساختارهای کلامی و زبانهای جمعی، در برابر ساختارهای اجتماعی به واکنش می‌پردازد (گلدمن، ۱۳۷۷: ۲۹). و در واقع «ادبیات و هنر را بعنوان صف‌شکن آفرینش فرهنگی و عامل دگرگونی و تغییرات اجتماعی در نظر می‌گیرند» (شوکینگ، ۱۳۷۳: ۱۲). نویسنده اگرچه اثر خود را با فنون ادب می‌آراید، اما موضوع محتوا و شالوده‌ی بحث خود را از اجتماع و واقعیت‌های جامعه برمی‌دارد و به عبارتی دیگر، هنر انعکاسی از واقعیت است؛ چرا که آثار ادبی در هر شکلی که باشند کم و بیش واقعیت‌هایی از اجتماع زمان خویش را بیان می‌کنند (گلدمن، ۱۳۷۷: ۳۵۸).

یکی از مسائل اجتماعی که پیوسته در شعر و ادبیات ملل مختلف منعکس شده، مضمون فقر است که بسیاری از جوامع با آن دست به گریبانند. بطور سنتی مفهوم فقر، تنها به ناکافی بودن درآمد اطلاق شده است. بر این اساس، با تعیین خط فقر، آنهایی که زیر خط فقر قرار می‌گیرند؛ فقیر محسوب می‌شوند و اشخاص بالای خط فقر، غیر فقیر؛ اما به رغم این تعریف ساده، علمای علم اقتصاد از همان ابتدا کوشیده‌اند تا تعریف گسترده‌تری از فقر ارائه دهند که تنها شامل فقر اقتصادی نشود، بلکه فقر فرهنگی، فقر در دستیابی به حقوق انسانی و فقر در توسعه‌ی ابعاد انسانی و بسیاری از ابعاد دیگر را نیز دربر می‌گیرد (لرنی، ۱۳۷۸: ۳۰۴-۳۰۵). از این رو می‌توان اذعان نمود که فقر مفهوم گسترده و وسیعی داشته و در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره قابل طرح است.

احمد مطر از شاعران برجسته‌ی عراق است که در جهان معاصر عرب، شهرت بسیاری دارد. او در اوضاع خفقان بار سیاسی و اجتماعی عراق که حزب بعث، ملت و ثروتهای آن را پله‌ای برای تعالی خود قرار داده بودند، پا به عرصه‌ی وجود می‌نهد و با بینش و نگرش خاص خود به ریشه‌یابی معضلات جوامع عربی می‌پردازد. شعر او عرصه‌ی هجومی بر مظاهر ظلم، فساد، شرک، تزویر و بی‌عدالتی و نابرابری در جهان ستمدیده‌ی عرب است. وی علاوه بر اینکه از حاکمان در شعر خود شکایت کرده و آنها را محکوم می‌کند، هموطنان خود را هم مورد حمله قرار می‌دهد. چرا که زیر بار

ظلم رفته و سکوت پیشه کرده‌اند. شاعر از مرز فردیت خارج می‌شود و وجودش را سرشار از عواطف جمعی می‌کند. این عواطف عمق احساسات و ارتباط شاعر را با جامعه‌اش نشان می‌دهد. احمد ماطر کودکی و نوجوانی خود را در دامان فقر و محرومیت سپری کرده (غنیم، ۱۹۹۵: ۱۸). و با تمامی ابعاد این مسأله‌ی مهم اجتماعی کاملاً آشنایی دارد. او در اشعار خود، زبان گویای ملت خود و رنجها و مشکلات آنها شده است.

مقاله‌ی حاضر با هدف مطالعه و تبیین بازتاب فقر اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی در اشعار احمد ماطر، با تکیه بر نظریات و منابع جامعه‌شناختی تدوین شده است. پرسشهایی که این پژوهش در پی پاسخ به آنهاست، از این قرار است:

- احمد ماطر تا چه اندازه از شرایط، اوضاع و مشکلات جامعه تأثیر پذیرفته است؟

- بازتاب فقر و نابرابری‌های اجتماعی در اشعار احمد ماطر چگونه است؟

برای پاسخ گفتن به این پرسشها، از روش تحقیق توصیفی استفاده شده است و جمع آوری اطلاعات با ابزار کتابخانه (اسنادی) می‌باشد به این نحو که ابتدا منابع گوناگون پیرامون موضوع، مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و مطالب مورد نیاز به صورت فیش برداری جدا شده سپس مورد نقد و تأمل اجتماعی قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

احمد ماطر از شاعران مشهور جهان معاصر عرب است؛ لذا پژوهش‌های متعددی در مورد این شاعر انجام شده است که در اینجا به برخی از آنها که با پژوهش حاضر ارتباط بیشتری دارند اشاره می‌شود:

"پژوهشی در اندیشه‌های سیاسی اشعار احمد ماطر" عنوان مقاله‌ای است که در نشریه «لسان مبین» به چاپ رسیده است (حیدریان شهری، ۱۳۹۳صص ۱-۲۳). نویسنده‌ی این مقاله بعد از نگاهی گذرا به زندگی احمد ماطر، در مرحله‌ی نخست، چهره‌ی مردمی شعر ماطر و دلایل مقبول بودن شعر او و در مرتبه‌ی بعد سیمای سیاسی شعر ماطر و برخی عناصر ایدئولوژی سیاسی شعر او را مورد توجه قرار داده است. البته گفتنی است

تحلیل مسأله‌ی فقر در شعر احمد مطر از منظر جامعه‌شناسی ادبیات ۱۰۵

نویسنده ضمن بیان موضوعات سیاسی، بصورت خلاصه به چند نمونه از اشعار احمد مطر که به بازتاب مسائل اقتصادی در شعر او ارتباط دارد، اشاره نموده است. ولی در این مقاله، به دیگر مباحث مرتبط با مقوله‌ی گسترده‌ی فقر و زوایای گوناگون بازتاب این مسأله در شعر مطر و نیز مباحث جامعه‌شناسی ادبی پرداخته نشده است.

"أحمد مطر و قضايا شعره السياسي" عنوان مقاله‌ای است که در مجله «آفاق الحضارة الاسلاميه» به چاپ رسیده و نویسنده در این مقاله، قضایای سیاسی شعر این شاعر انقلابی را مورد نقد و تحلیل قرار داده است (حاجی‌زاده، ۱۳۸۶ صص ۴۹۷-۵۲۷). "مهمترین عناصر معنایی شعر احمد مطر" مقاله‌ای دیگر است که برخی از مسائل سیاسی و اجتماعی موجود در شعر این شاعر را بیان می‌کند و مفاهیمی چون بی‌پروایی و بلند پروازی شاعر، پلیدی و سمجی جاسوسان، ستمگری و تکبر حکام، سرکوب مخالفان و غیره را بررسی می‌کند (صدقی، ۱۳۸۴ صص ۶۹-۹۰).

مقالاتی نیز در حوزه‌ی ادبیات مقاومت در مورد شاعر نگاشته شده است پژوهش‌هایی چون "مظاهر أدب المقاومة فی شعر احمد مطر" این مقاله موضوعاتی چون لبنان، فلسطین، وطن دوستی، آزادی، و مبارزه را دربرگرفته است (سعدون زاده ۱۳۸۸، صص ۵۱-۷۰). همچنین "مفهوم آزادی در شعر احمد مطر" مقاله‌ی دیگری است که مطر را به عنوان شاعر ادبیات مقاومت به چالش کشانده است (مجیدی ۱۳۹۰، صص ۵۰۵-۵۱۹).

برخی از مقالات و ویژگی‌های زبانی طنز در اشعار مطر را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند، پژوهش‌هایی چون "شیوه‌های کاربرد طنز در تصاویر فکاهی احمد مطر" که نویسنده اسلوبهای کاربرد طنز در شعر مطر را مورد بررسی قرار می‌دهد (معروف، ۱۳۸۷ صص ۱۲۱-۱۴۵). "رسالت طنز در شعر میرزاده‌ی عشقی و احمد مطر" عنوان مقاله‌ای دیگر است که بطور تطبیقی کارکرد طنز در آثار دو شاعر را مورد نقد قرار داده است (رجبی، ۱۳۹۱).

همچنین از جنبه‌ی بینامتنی پژوهش‌هایی چون "روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر" از فرامرز میزایی و ماشالله اوحدی (میزایی، ۱۳۸۸) و "نقد و بررسی وامگیری قرآنی

در شعر احمد مطر " از یحیی معروف (معروف، ۱۳۹۰، صص ۱۲۳-۱۵۲) وجود دارد که اشعار را از دید بینامتنی تحلیل کرده‌اند. همچنین مقاله‌ی "افسانه تمثیلی و کارکرد آن در شعر احمد مطر" که به داستانها از زبان حیوانات و تمثیل و نمادها در شعر مطر پرداخته است (حیدری، ۱۳۹۲).

بخش پر رنگ و قابل تأملی از شعر احمد مطر به فقر و نابرابری‌های اجتماعی اختصاص یافته است که تحلیل جامعه‌شناختی این مضامین، در پژوهشهای حاضر حضوری ندارد، از این رو ضرورت تحقیق در این زمینه، مشهود است.

جامعه‌شناسی ادبیات

جامعه‌شناسی ادبیات، شاخه‌ای نوپا از جامعه‌شناسی است که رابطه‌ی میان آثار ادبی و شرایط اجتماعی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. این شاخه به تحلیل تمام عوامل اجتماعی موثر در آفرینش آثار ادبی می‌پردازد و می‌خواهد بداند جامعه چه تأثیری بر نویسندگان و اثرش می‌گذارد و در مقابل، این اثر ادبی چه تأثیری بر جامعه می‌گذارد؛ چرا که این تأثیر دو سویه و متقابل است. ادبیات موجودی زنده و پویاست و همانطور که از جامعه‌ی خود تأثیر می‌پذیرد، تأثیر نیز می‌گذارد (شوکینگ، ۱۳۷۳: ۱۵).

بدیهی است قدرت ادبیات در اداره تکامل فرهنگ و جامعه، امری انکار ناپذیر است و مسائلی چون قدرت سیاسی جامعه و اقتدار خانوادگی و هنجارها و ناهنجارهای اخلاقی همگی در بطن ادبیات قابل نقد و بررسی است و ادبیات در عین هدف بودن می‌تواند به عنوان ابزاری توانمند برای بررسی سیاست جامعه و فرهنگ کشور مفید باشد و به منزله‌ی بستر حیات بخش و شکوفاگر اندیشه‌ها و حاوی عناصر سازنده‌ی شخصیت انسانها به کار آید (ترابی، ۱۳۷۹: ۶۰). بر این اساس تأثیر آداب و رسوم و قوانین جامعه بر ادبیات، و متقابلاً تأثیر ادبیات بر آنها مسلم است. از این روست که جلال آل احمد اعتقاد دارد: «اصیل‌ترین اسناد تاریخی هر ملت ادبیات است و مابقی جعل است» (زمانی‌نیا، ۱۳۶۳: ۳۵۳).

مقاله‌ی حاضر، محصول قلمی احمد مطر را مورد تأمل و نقد اجتماعی قرار می‌دهد؛ احمد مطر بعنوان شاعری که زبان گویای عامه‌ی ملت عراق است، از طریق آثار ادبی

تحلیل مسأله‌ی فقر در شعر احمد مطر از منظر جامعه‌شناسی ادبیات ۱۰۷

خود، مسائل اجتماعی جوامع عرب و عمدتاً محل زندگی خود را در اشعارش منعکس کرده و در جهت ایجاد بالندگی در طبقات پایین جامعه و نیز بسط و تعمیق اندیشه‌هایی همچون برابری و عدالت طلبی کوشیده است؛ یعنی مطر با دستیابی به ساختار طبقاتی و با ارجاع به اوضاع حاکم در جامعه با خلق اشعارش در شکل‌گیری آگاهی طبقاتی در میان اعضای طبقات پایین جامعه نقش ایفا کرده است. و با تحلیل آثار ادبی او می‌توان به لایه‌های درونی اوضاع اجتماعی جامعه‌ی شاعر دست یافت.

اهمیت این نوع بررسی یعنی تحلیل جامعه‌شناختی آثار ادبی، در این است که رابطه‌ی عمومی دیالکتیکی میان اثر ادبی به مثابه‌ی کنش فعال ذهن خلاق شاعر یا نویسنده در بیان جهان‌نگری و آگاهی جمعی گروه یا طبقه‌ای خاص که نویسنده منتسب و نماینده‌ی آن به شمار می‌رود و نیز شرایط مادی حیات اجتماعی و مناسبات میان طبقات در کل جامعه روشن شود تا با کشف این رابطه بتوان مقطعی از تاریخ حیات جمعی یک ملت و مناسبات طبقات مختلف و نیروی اجتماعی دست اندرکار تغییر اجتماعی و تحول در جامعه‌ی مورد نظر را به درستی مورد تحلیل قرار داد.

نگاهی به زندگی و شعر احمد مطر

شعر معاصر عراق، طلایه‌دار آمل و آرزوهای ملت ستمدیده‌ی عراق، برای از بین بردن ریشه‌ها و عوامل نابسامانی‌های جامعه است. این اشعار آینده‌ی تمام نمای دردها و رنج‌ها و معضلات اجتماعی اقشار مختلف جامعه است که شاعران زیادی از جمله مطر از منادیان حقیقی آن به شمار می‌آیند. احمد مطر هاشمی در سال ۱۹۵۶ در روستای «تنومه» یکی از نواحی بصره، دیده به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی‌اش را در آنجا سپری کرد و در جوانی به همراه خانواده‌اش به محله‌ای به نام «اصمعی» انتقال یافت. شاعر دوران کودکی و نوجوانی خود را در دامان فقر و محرومیت سپری کرد. او در آن شرایط سخت و نابسامان به مطالعه کتابها و ادبیات روی آورد. روستای «تنومه» همچنین این دوره از زندگی شاعر، که توأم با فقر و نداری بود، دارای تأثیر آشکاری در شعر و شخصیت احمد مطر است (غنیم، ۱۹۹۵: ۱۸). مطر از چهارده سالگی شعر سرود.

شعرهای اولیه‌ی او در محدوده‌ی غزل و هیجان و موضوعاتی از این قبیل بود. لیکن طولی نکشید که رویارویی ملت با حکومت و استبداد حاکم بر جامعه، برایش آشکار شد. او این را از نگاه مردم، گفته‌های آنان، کتابها و مطبوعات دریافت (حسن، ۱۹۸۷: ۵۲). وی در آن اوضاع خفقان‌بار سیاسی و اجتماعی عراق، که حزب بعث و رژیم صدام، ملت و ثروتهای آن را پله‌ای برای تعالی خود قرار داده بودند، نتوانست سکوت پیشه کند و لباس ماتم بر تن کند، لذا برای اصلاح شرایط موجود وارد عرصه‌ی مبارزه شد و برای این کار، سرودن شعر و سلاح کلمه را برگزید و قصائدی تحریک آمیز و شورانگیز سرود که محور آن ترسیم تحقیر شهروند عرب بود. چنین اشعاری آسودگی را از او گرفت و ناچار شد بهای آزادی را با آوارگی پردازد و به کویت بگریزد و از آنجا به بریتانیا برود (همان: ۵۵). این شاعر ارزنده هم اکنون در لندن اقامت دارد و با غم غربت و بیماری دست و پنجه نرم می‌کند.

مفهوم فقر و انواع آن

فقر در لغت به معنای: «تنگ‌دستی، تهیدستی، ناداری و درویشی آمده است. و در اصطلاح به معنای ناتوانی در برآورده ساختن حد کافی نیازهای اساسی انسان است» (کنت گالبریت، ۱۳۶۹: ۳۲). اما فقیر به چه کسی گفته می‌شود؟ باید در پاسخ گفت، فقیر کسی است که: «از عهده‌ی تأمین حداقل معیشت زندگی برنیاید و درآمد و مخارجش با همدیگر توازن و تعادل نداشته باشد یعنی هزینه‌ی زندگی به مراتب بیشتر از درآمدش باشد» (همان: ۳۴).

در تعریفی دیگر فقر به معنای محدودیت از داشتن چیزهایی است که هر یک از اعضای جامعه حق دارند آن را داشته باشند. در ادبیات ملل، فقر به معنای نداشتن امکانات اولیه رفاهی است و افرادی که از چنین امکاناتی محرومند فقیر نامیده می‌شوند (ستوده، ۱۳۸۴: ۹۱). علیرغم همه‌ی این تعاریف، علمای علم اقتصاد از همان ابتدا کوشیده‌اند تا تعریف گسترده‌تری از فقر ارائه دهند که تنها شامل فقر اقتصادی نشود، بلکه فقر فرهنگی، فقر در دستیابی به حقوق انسانی و فقر در توسعه ابعاد انسانی و بسیاری از ابعاد دیگر را نیز دربر می‌گیرد (لرنی، ۱۳۷۸: ۳۰۴-۳۰۵).

تحلیل مسأله‌ی فقر در شعر احمد مطر از منظر جامعه‌شناسی ادبیات ۱۰۹

همانگونه که اشاره گردید احمد مطر دوران کودکی و نوجوانی‌اش را با مشکلات شدید اقتصادی و فقر و نداری پشت سر گذاشته (غنیم، ۱۹۹۵: ۱۸) لذا با ابعاد گوناگون این مسأله‌ی مهم اجتماعی آشنایی کامل دارد. وی خود را جدا و بیگانه از مردم نمی‌داند لذا با مردم عادی جامعه احساس همبستگی و وابستگی کرده و زبان گویای جامعه‌ی خویش می‌شود. او معتقد است که فقر از مهمترین مشکلات و معضلات اجتماعی است و بستر جامعه را برای انواع کجرویها و بیماری‌های اجتماعی، مهیا می‌سازد (غنیم، ۱۹۹۸: ۸۵). شاعر بارها با زبان شعر، فقر و محرومیت جانکاه ملت خویش را فریاد زده است ملتی که با وجود داشتن سرمایه‌های عظیم نفتی (مطر، ۲۰۰۱: ۱۴۱) «آب فقر» می‌نوشد و رهین سرما و تاریکی است:

و أنا/ أرقُدُ فی غِیَابَةِ بئری/ أشربُ فقری/ رهنَ البردِ و رهنَ ظلامی ... (همان: ۱۴)
(و من در قعر چاهم می‌خسبم. فقرم را می‌نوشم، در گرو سرما و تاریکی ...)

فاصله‌های طبقاتی و بی‌عدالتی

در جوامعی که ثروتها و منابع طبیعی، که بر اساس آیات قرآن کریم برای بهره‌برداری همه‌ی مردم آفریده شده، در اختیار گروه‌های خاصی قرار می‌گیرد و اکثریت مردم از آن بی‌بهره‌اند، فقر فراگیر می‌شود و به تدریج فاصله طبقاتی فزونی می‌یابد (رشیدی، ۱۳۷۵: اول: ۱۷۳). از دیدگاه جامعه‌شناختی کشورهای با درآمد پایین یا متوسط، عموماً به دو طبقه‌ی اقتصادی تقسیم می‌شوند: طبقه‌ی حاکم که ابزار تولید و توزیع را در اختیار دارد و بوسیله‌ی قدرت اقتصادی قادر به اعمال سلطه‌ی سیاسی خود می‌باشد و طبقه تحت سلطه، که در خدمت تحقق خواسته‌های طبقه حاکم قرار داشته و از لحاظ سیاسی و اقتصادی و اجتماعی زیر سلطه‌ی طبقه‌ی حاکم است (نکرومه، ۱۳۵۷: ۱۴). عدم ثبات سیاسی تأثیر بدی بر اقتصاد عراق گذاشت و اختلافات طبقاتی در عراق را گسترش داد. (الوائلی، ۱۹۸۷: ۸۲).

احمد مطر بعنوان شاعری متعهد، فقر و مشکلات ناشی از این پدیده‌ی اجتماعی در جامعه‌ی خویش را منعکس کرده و در جهت ایجاد آگاهی و تلاش برای ایجاد برابری

و از بین بردن تضادهای طبقاتی فریاد اعتراض سرداده است (غنیم، ۱۹۹۸: ۱۰۹). شاعر ریشه‌ی اصلی فقر و نابرابریهای اجتماعی در جوامع عربی را از یک سو در حکومت‌های ستمگر و بی‌تدبیرشان و از سوی دیگر در نفوذ و سوءاستفاده‌ی کشورهای استعمارگر در جوامع عربی جستجو می‌کند.

مطر در قصیده‌ای تحت عنوان «إِنصافُ الأنصاف» با بهره‌گیری از طنزی تلخ، به فقری که در نتیجه‌ی تقسیم ناعادلانه‌ی ثروت و درآمد در جوامع عربی بوجود آمده، اشاره دارد و بیان می‌کند که ملت عرب با وجود داشتن ثروت‌های عظیم طبیعی بعلت نابرابری در توزیع ثروت از فقر رنج می‌برد و تمام ثروت جامعه میان صاحبان قدرت تقسیم می‌شود:

نَزِرُغُ الْأَرْضِ .. وَ نَعْفُو جَائِعِينَ. / نَحْمِلُ الْمَاءَ .. وَ نَمَشِي ظَمَائِينَ. / نُخْرِجُ النِّفْطَ / وَ لَا دَفَاءَ وَ لَا ضَوْءَ لَنَا.. / وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مُنْصَفٌ فِي قِسْمِهِ الْمَالِ / فَنَصِفُ جَوَارِيَهُ وَ نَصِفُ لَدُوِيَهُ الْجَائِرِينَ! (مطر، ۲۰۰۱: ۲۴۱).

(زمین را می‌کاریم .. و گرسنه می‌خوابیم. آب را حمل می‌کنیم.. و تشنه راه می‌رویم. نفت استخراج می‌کنیم (ولی) نه گرمایی برایمان دارد و نه نوری .. و امیرمومنان (منظور حاکم) در تقسیم مال منصف است پس نیمی برای نزدیکانش و نیمی برای اربابان ستمکارش!).

شاعر در قصیده‌ای دیگر، انباشته شدن ثروت نزد طبقه‌ی حاکم و صاحبان قدرت، که اقلیت کوچکی از جامعه‌ی عرب هستند، را ترسیم کرده و از زبان حاکم چنین می‌گوید:

قِيلَ لِي إِنِّي لِي عِقَارَاتُ / وَ لِي مَالٌ وَفِيرٌ. / إِنَّهُ وَهْمٌ كَبِيرٌ / كُلُّ مَا أَمْلِكُهُ حَمْسُونَ قَصْرًا / أَتَقِي الْقَيْظَ بِهَا وَ الزَّمْهَرِيرَ / وَ رَصِيدِي كَلَّةٌ / لَيْسَ سِوَى عِشْرِينَ مِليَارًا. / فَهَلْ هَذَا كَثِيرٌ؟! (مطر، ۲۰۰۱: ۳۹۰-۳۹۱).

(گفته شده املاک و ثروت فراوان دارم. این یک توهم بزرگ است. من تنها پنجاه قصر دارم که در آن خود را از سرما و گرما حفظ می‌کنم و همه‌ی سپرده‌های بانکی من چیزی جز بیست میلیارد نیست .. آیا این زیاد است!؟).

نقش حاکمان در پیدایش فقر

گفته می‌شود که فقر محصول ساختار قدرت و نظام اجتماعی است. فقر یک محصول طبیعی نیست، بلکه نتیجه روابط و مناسبات انسانی است. قدرت سیاسی نقش مهمی را در توزیع ثروت و درآمد در جامعه دارد و کسانی که از نظر اقتصادی در حاشیه قرار گرفته‌اند، تمایل دارند که از نظر اجتماعی هم حاشیه نشین شوند؛ بنابراین از منابع قدرت محروم هستند (راغر، ۱۳۸۴: ۲۵۵). امروزه بسیاری از کشورهای جهان اسلام با فقر و توسعه نیافتگی مواجه می‌باشند. عوامل گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در پیدایش این پدیده موثر بوده‌اند که در میان این عوامل، نظام حاکم و سیاستهای آن، نقش تعیین کننده‌ای در تشدید فقر داشته است (رهنما، ۱۳۸۲: ۳۶۹).

شاعر بحران شدید اقتصادی در کشورهای عربی را بخشی از آشفتگی سیاسی این حکومتها می‌داند و معتقد است که مسئولیت کامل این بحران به دوش حاکم است حاکمی که تکیه بر مسند قدرت زده، بدون اینکه شایسته‌ی این مسئولیت باشد و منابع ثروتهای ملت را در راه لذات و شهوات به هدر می‌دهد:

قُوْتُ عِيَالِنَا هُنَا / يُهْدِرُهُ جَلَالَةُ الْحِمَارِ / فِي صَالَةِ الْقِمَارِ. / وَ كُلُّ حَقِّهِ بِهِ / أَنْ بَعِيرَ جَدِّهِ / قَدْ مَرَّ قَبْلَ غَيْرِهِ / بِهَذِهِ الْأَبَارِ! (مطر، ۲۰۰۱: ۷۵).

(قوت خانواده‌هایمان اینجاست. اعلی حضرت خر در سالن قمار بر بادش می‌دهد. و تمام حق او در آن، این است که اشتر جدش پیش از دیگران از کنار این چاه‌ها گذشته بود!).

شاعر در قصیده‌ی زیر با طنزی تلخ، تلاشهای بی‌حاصل حاکمان کشورهای عربی برای مقابله با فقر را ترسیم می‌کند، حاکمان فریبکاری که با برگزاری کنفرانس‌های بی‌حاصل و صدور دستورات بی‌مفهوم و غیر کاربردی، در ظاهر چنان جلوه می‌دهند که گویا با فقر مبارزه می‌کنند:

فَشَكُونَا أَمْرَنَا عِنْدَ وَلِيِّ الْأَمْرِ / فَاغْتَمَّ وَ نَادَى الْخِيَرَاءَ / وَ جَمِيعَ الْوُزَرَاءَ. / وَ أُقِيمَتِ نَدْوَةٌ وَاسِعَةٌ / نُوقِشَ فِيهَا وَضْعُ (أَيْرُنْد) ... / وَ قَضَايَا (هَآوَانَا) / وَ بَطُولَاتُ جِيوشِ الْخُلَفَاءِ! / ثُمَّ بَعْدَ الْأَخْذِ وَ الرِّدِّ / أَصْدَرَ الْحَاكِمُ مَرْسُومًا / بِالْعَآءِ الشِّتَاءِ! (همان: ۴۷۶).

(از مشکلاتمان نزد امیر شکایت کردیم. پس اندوهگین شد و کارشناسان و همه‌ی وزیران را فراخواند. و همایش بزرگی بر پا شد که در آن همایش وضعیت (ایرلند)... و مسائل (هاوانا) و قهرمانان ارتش متحدان! مورد بحث قرار گرفت سپس بعد از تبادل نظر حاکم دستوری مبنی بر لغو زمستان صادر کرد!).

شاعر در قصیده‌ی «ملحوظة» (یادداشت) با به نمایش گذاشتن یادداشت یک دزد، مدعی است که حاکمان کشورهای عربی به اندازه‌ای مردم را مورد چپاول قرار داده‌اند که دیگر چیزی برای سارقان باقی نگذاشته‌اند تا به سرقت ببرند:

تَرَكَ اللَّصُّ لَنَا مَلْحُوظَةً / فَوْقَ الْحَصِيرِ. / جَاءَ فِيهَا: / لَعَنَ اللَّهُ الْأَمِيرَ / لَمْ يَدَعْ شَيْئاً لَنَا نَسْرِقُهُ
.. إِلَّا الشَّخِيرَ! (همان: ۴۷۷).

(دزد یادداشتی روی حصیر برای ما برجای گذاشت. که در آن آمده بود: خدا امیر را لعنت کند، چیزی برایمان باقی نگذاشته تا سرقتش کنیم .. بجز خرناس!).

نقش استعمار در پیدایش فقر

امروزه نقش عامل استعمار در فقر کشورهای جهان سوم، بر کسی پوشیده نیست و با وجود اینکه روابط استعماری گذشته از بین رفته است ولی برخی آثار آن همچنان باقی است. برخی عقیده دارند که روابط استعماری امروزه هم، با شکل مدرن خود پابرجاست. حتی برخی پا را فراتر گذاشته و به نظریات توسعه هم به دیده تردید می‌نگرند: «توسعه ثابت کرد که اکسیری نبود که آن نخبگان می‌پنداشتند... توسعه آنگونه که خود را بر جمعیت مورد نظر تحمیل می‌کند، اساساً پاسخ غلطی به نیازها و خواسته‌های واقعی آنها بود. توسعه ایدئولوژی بود که در شمال زاده شد و تلطیف شد، تا اساساً نیازهای قدرتهای مسلط را که در جستجوی یک ابزار مناسب برای توسعه طلبی اقتصادی و ژئوپولیتیکی خود بودند تأمین کند... این ایدئولوژی به استعمار در حال مرگ و از کار افتاده کمک کرد تا خود را تبدیل به یک ابزار تهاجمی و حتی بعضی اوقات جذاب کند و آن را قادر ساخت تا زمینهای از دست رفته را پس بگیرد» (رهنما، ۱۳۸۲: ۳۷۰-۳۷۱).

تحلیل مسأله‌ی فقر در شعر احمد مطر از منظر جامعه‌شناسی ادبیات ۱۱۳

جنبه‌های مختلف فقر دارای کنش متقابل با یکدیگر می‌باشد و گفته می‌شود که استبداد بزرگترین عامل فقر است. (راغفر، ۱۳۸۴: ۲۷۷). مطر با زبان شعر، بویژه در شعر «یوسف فی بئر بتول» (یوسف در چاه نفت)، بارها به یغما رفتن ذخایر خدادادی بلاد عرب را فریاد زده است (غنیم، ۱۹۸۸: ۷۸). شاعر در این قصیده، با الهام گرفتن از آیات سوره مبارکه «یوسف» تصویر زیبا و بدیع دیگری در برابر ما پدیدار می‌سازد که همان خواب عزیز مصر است، در قرآن مجید از زبان یوسف چنین آمده است: «و قَالَ الْمَلِكُ أَيُّ أَرْيَ سَبْعَ بَقَرَاتٍ سَمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عَجَافٌ» (پادشاه مصر گفت من در خواب دیدم هفت گاو فربه را که هفت گاو لاغر آنها را می‌خورند) (یوسف/ ۲۴).

این داستان از زبان شاعر بعنوان راوی و قهرمان داستان و هم زندانی «یوسف» که در چاه زندانی شده روایت می‌شود:

سَبْعُ سَنَابِلٍ خَضِرٍ مِنْ أَعْمَى / تَذْوَى بِأَسَةٍ فِي كَفِّ الْأَمَلِ الدَّامِلِي .. / تَضْحَكُ صُفْرَةً مِنْ صَبْرِي / وَ تَمُوتُ فَتَحِيَا أَلَامِي .. / يَا صَاحِبَ سِجْنِي نَبْئِي / مَا رَوِيَا مَأْسَاتِي هَذِي؟ / فَأَنَا فِي أَوْطَانِ الْخَيْرِ / مَمْنُوعٌ مِنْذُ الْمِيلَادِ مِنَ الْأَحْلَامِ! / وَ أَنَا أَسْتَقِي رَبِّي خَمْرًا / بِيَدِي الْيَمْنِي / يَدِي الْيُسْرِي تَتَلَقِّي أَمْرَ الْإِعْدَامِ! / وَ أَرَى قَبْرِي (مطر، ۲۰۰۱: ۱۴۰).

(هفت خوشه‌ی سبز از سالیانم، می‌خشکنند در دست آرزوی خونین .. زردی آن خوشه‌ها به صبرم نیشخند می‌زنند و (خوشه‌ها) میمیرد و دردهایم جان می‌گیرند. ای دوست زندانی من، به من خبر بده تعبیر خوابم چیست؟ که من در سرزمینهای خوب و نیکو، از زمان تولدم دیدن رویا برایم ممنوع است! و من به آقای خود باده می‌نوشانم با دست راستم، و دست چپم حکم اعدام را دریافت می‌کند! و گورم را می‌بینم).

احمد مطر این قصیده را با ذکر خوابی شبیه به خواب عزیز مصر، از زبان این زندانی آغاز می‌کند و به ذکر عاقبت و محتوای اصلی داستان، یعنی قصه‌ی به یغما رفتن نفت به عنوان ثروت طبیعی بلاد عرب و فقر و قحطی عربها می‌پردازد و سپس گام به گام حرکت می‌کند و پیش می‌رود. و اگر داستان یوسف(ع) با بیان خواب یوسف از زبان وی برای پدرش حضرت یعقوب(ع) آغاز گردیده، این داستان با بیان خواب شاعر بعنوان هم زندانی یوسف و از زبان او و برای یوسف آغاز شده است.

رابطه‌ی فقر و انحرافات اجتماعی

جامعه‌شناسان، هرگونه رفتاری را که با چشم داشتهای جامعه یا گروه معینی در جامعه، تطابق نداشته باشد، انحراف (نابهنجاری) می‌نامند. در واقع انحراف به دوری جستن از هنجارها اطلاق می‌شود و زمانی رخ می‌دهد که یک فرد یا یک گروه، معیارهای جامعه را رعایت نکنند. رفتار و کنش‌های انحراف‌آمیز را هنجارهای اجتماعی حاکم بر فرهنگ، مشخص می‌سازند (بروس، کوئن، ۱۳۷۵: ۱۶۰).

بسیاری از محققان علوم اجتماعی به ارتباط وسیع میان فقر و بزهکاری تأکید می‌ورزند و به نظر آنها کمبود درآمد و فقر اقتصادی با جرم و انحرافات رابطه‌ی مستقیم دارد. زیرا افرادی که در طبقات پایین اجتماعی قرار دارند نسبتشان در کل جنایتکاران بیشتر از نسبت کل جمعیت است (جوزف و وارن، ۱۳۵۵: ۱۸۱). فقر می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از انحرافات اجتماعی باشد. البته نمی‌توان گفت که فقر علت اصلی انحرافات اجتماعی است. لیکن در بستر فقر، شرایط مناسب بروز بسیاری از انحرافات اجتماعی فراهم است (افروغ، ۱۳۷۹: ۶۹).

رابطه‌ی میان فقر و انحرافات اجتماعی بحثی بسیار گسترده است که در اینجا، به برخی از مهمترین مصادیق ارتباط فقر و انحرافات اخلاقی موجود در شعر احمد مطر اشاره می‌گردد:

بحرانهای اخلاقی

امروزه بسیاری از پژوهشگران، بر این باورند که ریشه مسائل و معضلات اجتماعی به نوعی در سیاست‌گذاریهای اجتماعی هر جامعه نهفته است. مسائلی چون روسپیگری و بی‌مبالاتی جنسی (در اشکال مختلف آن) و در نهایت همه‌ی نابسامانی‌هایی که چرخه‌ی عرضه و تقاضا این عرصه را شکل می‌دهند نیز با همین استدلال، ناشی از نوع نگاهی بوده‌است که در سطح کلان و خرد به آن شده است (لرنی، ۱۳۸۷: ۲۰۲).

طبق تعریف، زن ویژه یا روسپی یا فاحشه؛ زنی (یا به ندرت مردی) است که مخارج خود را بطور کلی یا جزئی از طریق تسلیم جسم خویش به دیگران (با انگیزه‌های جنسی) تأمین می‌کند. به علاوه، این نوع روابط جنسی، بدون محبت و

تحلیل مسأله‌ی فقر در شعر احمد مطر از منظر جامعه‌شناسی ادبیات ۱۱۵

موقتی است و اگر رابطه عاطفی در این کار دخالت داشته باشد، فحشا نام خواهد داشت (همان: ۲۰۵).

احمد مطر در قصیده‌ای بنام «احزان اصیله» (غم‌های اصلیه) انحطاط اخلاقی و انحراف اجتماعی را که به علت فقر و نیاز در جامعه بوجود آمده را منعکس می‌کند؛ بدین صورت که شاعر در یکی از هتل‌های لندن، با زنی عرب بنام «اصیله» برخورد می‌کند که بخاطر فقر، نیاز و تأمین مایحتاج خانواده‌اش، خانه و کاشانه خویش را رها کرده و عازم خارج از کشور شده، و سعی دارد با روسپیگری خانه و سر پناهی برای خود و خانواده‌اش تهیه کند، وقتی شاعر علت این کار را از او جویا می‌شود این پاسخ را از وی می‌شنود:

ماذا تفعلینَ إذن هُنا؟! / لا شیء ... أرتكبُ الزَّنى! / -أتفارقینَ بلادنا/ لثهدمی شَرَفَ العروبة/ فی بلاد عدونا؟! / -أئی أهدمُهُ/ لأبنی فی بلادی، من حجارة عفتی/ بیتاً لنا/ وَ بَکت.. فَسألَ الكحلُّ فی الدمعات (مطر، ۲۰۰۱: ۲۰۴).

(پس اینجا چکار می‌کنی؟! هیچ چیز ... مرتکب زنا می‌شوم! -آیا وطن مان را ترک می‌کنی تا شرف عرب را نابود کنی در کشور دشمن مان؟! -من نابودش می‌کنم تا بنا کنم در وطنم، با سنگ عفتم، خانه‌ای برای خودمان و گریست .. سپس سرمه جاری شد در اشک‌هایش).

شاعر در بخشهایی از این قصیده به بیان این مطلب می‌پردازد که این زن (بنام اصیله، که به نوعی نمادی ازین گونه زنان است) با این کار خود شرف عرب را در برابر دیدگان دشمنانش نابود می‌سازد و موجب تضعیف و تار شدن وجهه ملت عرب در سطح جهان می‌شود. باید گفت از دیدگاه جامعه‌شناختی اتباع هر کشور، بخشی از هویت و فرهنگ هر ملت را به نمایش می‌گذارند، در همین راستا شاید یکی از موثرترین راهکارها برای کاهش و جلوگیری از قاچاق زنان، ایجاد فرصت‌های شغلی باشد علاوه بر این، رفع نابرابری‌های فاحش اقتصادی و جلوگیری از تبعیض‌های ناروا میان اقشار مختلف جامعه از زن و مرد، باعث می‌شود که زمینه‌هایی برای ایجاد رفتارهای مجرمانه مهیا نگردد (همان: ۳۰۷).

شاعر در یکی از قصاید خود تصویری را خلق می‌کند که در آن، شاعر دختر همسایه‌شان را دوست دارد و به قصد خواستگاری به خانه‌ی آنها می‌رود ولی ناگهان با طرز فکر غلطی از سوی خانواده‌ی دختر روبرو می‌شود که به علت فقر و فاصله‌ی طبقاتی بطور تحقیر آمیزی به او جواب منفی می‌دهند و درب را به روی وی می‌بندند:

-لَسْتُمْ ذَوِي جَاهٍ/ و لَا أَهْلَ غَيْبِي./-لَكِنَّا ..-لَسْتُمْ تَلِيقُونَ بِنَا./-لَكِنَّا ..-شَرَّفْنَا!/ أَغْلَقَ البابُ .. و ظَلَّتْ فَتْحَةُ الشُّبَّاكِ جُرْحًا فَاغْرًا/ يَنْزِفُ أَشْلَاءَ مُنِي/ و خِيَالَاتٍ اِتْتَحَارٍ/ و مواعيدَ زِنِي .. (مطر، ۲۰۰۱: ۴۷۹).

(صاحب جاه و مقام نیستید و نه ثروتمند. -ولی ما ..- شایسته‌ی ما نیستید. -ولی ما ..- مشرف فرمودید! درب بسته شد .. و همچنان روزنه‌ی پنجره زخمی باز بود. زخم آرزو خونریزی می‌کرد و فکر و خیال خودکشی و قول و قرارهایی برای زنا).

شاعر در قسمت پایانی قصیده بیان می‌کند که بخاطر این رفتار تحقیرآمیز از سوی خانواده دختر (که به نوعی نماد جامعه محسوب می‌شود) افکار چرکین و بیمارگونه‌ای همچون فکر به خودکشی و یا قول و قرار برای ارتکاب عمل ناپسند زنا، در او شکل می‌گیرد. از دیدگاه جامعه‌شناختی، خیال‌پردازی در مورد خودکشی، افکاری در مورد کشتن خود فرد می‌باشد. و بسیاری از افراد بدون اینکه شفاهاً یا در رفتارشان، افکارشان را اظهار نمایند در یک لحظه دارای خیالات خودکشی می‌شوند (مساواتی‌آذر، ۱۳۸۳: ۴۴۰). خودکشی، عبارت است از نابودی آگاهانه‌ی خود، به علت وجود ناراحتیهای متعدد و چند بعدی در فرد در مانده و نیازمندی که به زعم او، این کار بهترین راه جهت رهایی از مسائل و مشکلات می‌باشد (قربانی، ۱۳۸۱: ۵۸).

برخی از صور خاص خودکشی؛ ممکن است ناشی از تعارض میان ارزش‌های اساسی یک جامعه و وضع نابسامان جامعه باشد که برخی از دسته‌های مردم را در زندگانی روزمره تحت فشار شدید قرار می‌دهد (مساواتی‌آذر، ۱۳۸۳: ۴۴۵). دورکیم معتقد است که خودکشی به اوضاع اقتصادی پیوسته است چرا که در دوره‌های بحران و یا رکود اقتصادی نرخ خودکشی بالا می‌رود (دورکیم، ۱۳۷۸: ۲۸۴).

فساد در نهادهای دولتی

فساد به واسطه‌ی شکستن قانون صورت می‌گیرد. سوء استفاده از موقعیت قانونی برای کسب منفعت فردی و شکسته شدن قانون، در مسأله‌ی فساد نمودی کامل دارد. فساد مجموعه‌ی رفتارهای فرا قانونی به واسطه سوء استفاده از موقعیتهای رسمی است که با هدف دستیابی به نفع شخصی صورت می‌پذیرد. مرتن معتقد است فقر اقتصادی باعث کجروی و جرم می‌شود، فشاری که ساخت اجتماعی بر افراد وارد می‌کند باعث می‌شود افراد برای رسیدن به اهداف منتخب جامعه، به راههای غیر قانونی متوسل شوند (ملیکیان و شریفیان، ۱۳۸۸: ۱۵۲-۱۵۳).

برای یک نظام سیاسی، حفظ ثبات سیاسی مهمترین اولویت محسوب می‌شود و اگر یک نظام از مشروعیت فراگیر، میان اعضای جامعه برخوردار نباشد، تلاش خواهد نمود تا با ایجاد رابطه با بخشهایی از جامعه، پایگاه اجتماعی خویش را در آن بخشها قرار دهد. این دولتها منابع خویش را بر اساس رابطه بازی (پارتی بازی) و نزدیکی افراد به آنها و میزان حمایت از آنها قرار می‌دهند (اسحاقی، ۱۳۸۴: ۲۸).

شاعر در اشعارش به معضل رابطه بازی (پارتی بازی) پرداخته، و بیان می‌نماید که این مشکل، افراد لایق و با استعداد را از رسیدن به مشاغل و پست‌های مهم باز می‌دارد. شاعر در قصیده‌ای تأمل برانگیز از وضعیت برادر خود سخن می‌گوید، که معلم معتقد است که او نابغه است، منظم در سر کلاسها حاضر می‌شود، فرد سخت کوشی است و رفتار مؤدبانه و پسندیده‌ای دارد. ولی این صفات او را از داشتن آینده‌ای روشن محروم می‌سازد چرا که آینده روشن متعلق به ابلهان و فاسدان است:

... اخوک اکمل/ و عینده معدل أعلى من المعدل! / و لو شئتها بالمجمل/ أخوک هذا یا

أخی لیس له/ مُستَقْبِل! (مطر، ۲۰۰۱: ۳۱۵).

(... برادرات کامل است و بالاترین معدل را دارد! و اگر بخواهی خلاصه‌اش را

بگویم برادرم، این برادر تو آینده‌ای ندارد!).

مطر حاکمان عرب را سرچشمه فساد موجود در جوامع عرب می‌داند و در بسیاری از اشعارش این حاکمان را دزد خطاب می‌کند، دزدانی که از هوشیاری مردم می‌هراسند:

إثنان في أوطاننا/ يرتعدان خيفة/ من يقظة النائم:/ اللصُّ .. و الحاكِم! (همان: ۱۵۷).
(دو تن در میهن‌های ما از هراس بیدار شدن خفته می‌لرزند: دزد .. و حاکم).

نتیجه‌گیری

ادبیات و جامعه پیوندی ناگسستنی دارند و هر کدام می‌تواند در دیگری موثر افتد. می‌توان گفت ادبیات و هنر بهترین شاخک یا آنتن جامعه هستند که سریعاً رویدادهای درون جامعه را منعکس می‌نمایند. احمد مطر بعنوان یک شاعر سیاسی و اجتماعی، مسائل و مشکلات جامعه‌ی خویش را در نظر داشته و به تجزیه و تحلیل آسیب‌های اجتماعی آن می‌پردازد. شاعر از مرز فردیت خارج می‌شود و وجودش را سرشار از عواطف جمعی می‌کند. این عواطف عمق احساسات و ارتباط شاعر را با جامعه‌اش نشان می‌دهد. او از جامعه تأثیر گرفته و بر آن تأثیر می‌گذارد و برای حل مشکلات و رسیدن به جامعه‌ای بهتر تلاش می‌کند. احمد مطر توجه خاصی به مسأله‌ی فقر دارد چرا که وی کودکی و نوجوانی خود را در دامان فقر و محرومیت سپری کرده و با همه ابعاد این مسأله‌ی مهم اجتماعی آشنایی کامل دارد. وی خود را جدا و بیگانه از مردم نمی‌داند لذا با مردم عادی جامعه احساس همبستگی و وابستگی کرده و زبان گویای جامعه‌ی خویش می‌شود.

شاعر معتقد است که فقر و نابرابری‌های اجتماعی از مهم‌ترین مشکلات و معضلات اجتماعی است و بستر جامعه را برای انواع کجرویه‌ها و بیماری‌های اجتماعی، مهیا می‌سازد. مطر ریشه‌ی اصلی فقر و نابرابری‌های اجتماعی در جوامع عربی را از یک سو در حکومت‌های ستمگر و بی‌تدبیرشان و از سوی دیگر در نفوذ و سوءاستفاده‌ی کشورهای استعمارگر در جوامع عربی جستجو می‌کند. ازین رو بعنوان شاعری متعهد، فقر و مشکلات ناشی ازین پدیده اجتماعی در جامعه خویش را منعکس کرده و در جهت ایجاد آگاهی و تلاش برای ایجاد برابری و ازبین بردن تضادهای طبقاتی فریاد اعتراض سرداده است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- افروغ، عمار (۱۳۷۹ه.ش)، چشم اندازی نظری به تحلیل طبقاتی و توسعه. تهران: موسسه فرهنگ و دانش.
- بروس، کوئن (۱۳۷۵ ه.ش)، درآمدی بر جامعه‌شناسی. ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا.
- ترابی، علی اکبر (۱۳۷۹ ه.ش)، جامعه‌شناسی ادبیات فارسی. تبریز: انتشارات فروغ آزادی.
- جوزف، روسک و رولند، وارن (۱۳۵۵ ه.ش)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی. ترجمه: بهروز نبوی و احمد کریمی، بی‌جا، انتشارات کتابخانه فردین.
- دورکیم، امیل (۱۳۷۸ ه.ش)، خودکشی، ترجمه: نادر سالار زاده امیری، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- رشیدی، علی (۱۳۷۵ ه.ش)، فقر و راههای مبارزه با آن. کتاب: مجموعه مقالات گردهمایی بررسی فقر و فقرزدایی (جلد اول)، چاپ دوم، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- رهنما، مجید (۱۳۸۲ه.ش)، به سوی ما بعد توسعه: جستجو برای راهنماها در دولت، فساد و فرصتهای اجتماعی؛ تعامل اندیشه‌ها در اقتصاد سیاسی توسعه (چاپ اول). ویراستار و مترجم: حسین راغفر، تهران: انتشارات نقش و نگار.
- زمانی نیا، مصطفی (۱۳۶۳ه.ش)، فرهنگ جلال آل احمد. تهران: انتشارات پاسارگاد.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۴ه.ش)، جامعه‌شناسی مسائل ایران. تهران، ناشر: آریانا.
- شفیع کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۰ه.ش)، شعر معاصر عرب (چاپ اول). تهران: انتشارات سخن.
- شوکینگ، ل.ل (۱۳۷۳ه.ش)، جامعه‌شناسی ذوق ادبی، مترجم فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات طوس.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۴ه.ش)، آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی (چاپ اول)، تهران: نشر نی.
- غنیم، کمال احمد (۱۹۹۸م)، عناصر الإبداع الفنی فی شعر احمد مطر (الطبعة الأولى)، القاهرة: مكتبة مدبولی.
- فلیپ، مارک (۱۳۸۱ه.ش)، تعریف فساد سیاسی در: هیوود، پل، فساد سیاسی. ترجمه: محمد ظاهری و میر قاسم بنی هاشم، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات.
- کنت گالبریت، جان (۱۳۶۹ه.ش)، ماهیت فقر عمومی، ترجمه: محمد حسین عادل، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- گلدمن، لوسین (۱۳۷۳ه.ش)، جامعه‌شناسی ادبیات (دفاع از جامعه‌شناسی رمان). ترجمه: محمد جعفر پوینده، تهران: نشر هوش و ابتکار.

۱۲۰ نقد ادب معاصر عربی

- لانکریک، استیون (۱۳۷۸ه.ش)، تاریخ سیاسی و اجتماعی و اقتصادی عراق. ترجمه: اسدالله توکلی و محمد رضا مصباحی، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- مساواتی آذر، مجید (۱۳۸۳ه.ش)، آسیب شناسی اجتماعی ایران (جامعه شناسی انحرافات)، چاپ دوم: انتشارات فروزش تبریز.
- مطر، احمد (۲۰۰۱م)، الأعمال الشعرية الكاملة (الطبعة الثانية)، لندن.
- مظاهری، حسین (۱۳۷۳ه.ش)، اخلاق در خانه. قم: نشر اخلاق.
- میر صادقی، جمال و میر صادقی، میمنت (۱۳۷۷ه.ش)، واژه نامه داستان نویسی، تهران، نشر: کتاب مهناز.
- نکرومه، قوام (۱۳۵۷ه.ش)، مبارزه طبقاتی در آفریقا. ترجمه: محمد مجتبی زاده، بی جا، انتشارات شناخت.
- الوائلی، ابراهیم (۱۹۷۸م)، الشعر السياسي العراقي في القرن التاسع عشر، بغداد: مطبعة المعارف.
- اسحاقی، حسن (۱۳۸۴ه.ش)، نگاهی به پدیده‌ی رانت و رانت جویی در ایران. ماهنامه رواق اندیشه، شماره ۴۵.
- حسن، عبدالرحیم (۱۹۸۷م)، لقاء مع احمد مطر، مجلة (العالم)، لندن، العدد ۱۸۵.
- راغفر، حسین (۱۳۸۴ه.ش)، فقر و ساختار قدرت در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، گروه پژوهش و رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، سال چهارم، شماره ۱۷.
- عسگری حسنگلو، عسگر (۱۳۸۶ه.ش)، سیر نظریه‌های نقد جامعه شناختی ادبیات، مجله ادب پژوهی، شماره چهارم.
- غنیم، کمال احمد (۱۹۹۵ه.ش)، لقاء مع احمد مطر، غزه، مجلة (الرابطة)، العدد الثاني.
- لطیفیان، سعیده (۱۳۸۵ه.ش)، پیامدهای امنیتی فساد اقتصادی - سیاسی در کشورهای در حال توسعه، مجله حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- مدنی، نسربین (۱۳۸۶ه.ش)، ادبیات تطبیقی و تطبیق شعر معاصر عرب و شعر معاصر ایران با تکیه بر شعر فروغ و غادةالسمان، فصلنامه ادبیات تطبیقی، سال اول شماره ۲.

دراسة قضية الفقر في شعر أحمد مطر من وجهة نظر النقد الاجتماعي للأدب

مهدي ابراهيمي^١

رمضان رضائي^٢

الملخص

النقد الاجتماعي للأدب؛ أحد المناهج الجديدة و المؤثرة في الدراسات الأدبية و النقدية، و هو منهج يربط بين الأدب و المجتمع في مختلف المستويات، و يدرس العلاقة بين المجتمع و الأدب و موقف الكتاب و القراء لتبيين ظروف الطبقات الاجتماعية المختلفة في الفترة المعينة من التاريخ. يعد الفقر من أبرز المشاكل الاجتماعية التي انعكست في الشعر و آداب الأمم المختلفة. احمد مطر من الشعراء المشهورين في العالم العربي المعاصر يُولى بالتطورات في المجتمع عناية كبيرة و هذا ما يبدو من خلال معالجته لكثير من القضايا الاجتماعية. يسعى هذا المقال، بالمنهج الوصفي - التحليلي، إلى دراسة قضية الفقر في شعر أحمد مطر من وجهة نظر النقد الاجتماعي للأدب. تفيد هذه الدراسات أنّ الشاعر اهتم بمشكلة الفقر اهتماماً خاصاً لأنه يعد من أبرز المشاكل الاجتماعية من حيث التأثير في الجوانب المختلفة للحياة. يصوّر الشاعر قضية الفقر و المشاكل الاجتماعية التي تنتج من هذه الظاهرة الاجتماعية، و يسعى إلى حل المشاكل و الوصول إلى الوضع الأمثل للحياة.

الكلمات الرئيسية: أحمد مطر، سوسلوجية الأدب، الفقر، عدم المساواة الاجتماعية.

١- خريج ماجستير في اللغة العربية وآدابها، جامعة آزاد الإسلامية بتبريز

٢- أستاذ مساعد، معهد العلوم الإنسانية و الدراسات الثقافية